

مقایسه تطبیقی حقوق خانوادگی زن از دیدگاه فمینیسم و اسلام

غفار شاهی^۱، خدیجه عبدالله پور^۲، طاهره غلامپور^۳، محمدمهدی کریمی نیا^۴، مجتبی انصاری مقدم^۵

^۱ سطح چهار (دکتر) استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد تنکابن، استان مازندران، ایران
^۲ سطح سه (کارشناسی ارشد) و کتابدار مدرسه علمیه شهید مطهری، شهر تنکابن، استان مازندران، ایران
^۳ کتابدار (کارشناسی) مرکز تخصصی زینب کبری (سلام الله علیها) تنکابن، استان مازندران، ایران
^۴ استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، طلبه و پژوهشگر حوزه علمیه قم، ایران
^۵ دانشجوی دکترای علوم و قرآن و حدیث دانشگاه میبد، ایران (نویسنده مسئول)

چکیده

خانواده رکن اساسی جامعه انسانی است و شرط پویایی و استواری آن، وجود روابط صحیح و پایدار میان زن، شوهر و فرزندان است. اسلام به عنوان عالی‌ترین راهنمای حیات بشری، ۱۴۰۰ سال پیش بهترین هدایتگری و نظریه‌پردازی در مورد خانواده را انجام داده، تمامی دستوره‌های اسلام به‌نوعی ناظر بر صیانت از خانواده است. بخش قابل توجهی از مباحث جامعه‌شناسی خانواده به موضوع کارکردهای خانواده اختصاص یافته است. مسئله‌ی مهم برای جامعه‌شناسان، تبیین چرایی و چگونگی ایفای کارکردهای اجتماعی توسط نهاد خانواده است؛ اما این موضوع، مانند بسیاری از موضوعات دیگر، پیوندی ناگسستنی با مواضع ارزشی و ایدئولوژیک افراد و دیدگاه‌های گوناگون دارد. در این مقاله سعی شده تا حقوق خانواده از منظر فمینیسم و اسلام با روش تطبیقی مورد مطالعه قرار گرفته و در این میان، به نقش زن به عنوان زیربنای اصلی خانواده که مورد بیش‌ترین هجوم فمینیسم است، پردازیم.

واژه‌های کلیدی: اسلام، خانواده، زن، فمینیسم، حقوق خانواده

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

قبل از اسلام در تاریخ عرب زنان از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی محروم بودند و حتی گاهی حق حیات برای آن‌ها قائل نمی‌شدند؛ که سوره نحل آیه ۵۸ به این مسئله اشاره دارد. اما پس از اسلام ارزش و کرامت زنان به بهترین وجه شناخته شد. اسلام، زن را مانند مرد مستقل و آزاد می‌داند و هیچ تفاوتی از نظر داشتن روح کامل انسانی و اراده و اختیار بین زن و مرد قائل نشده است. و از جمله مسائلی که در مورد مقام زن در قرآن به آن اشاره شده به رسمیت شناختن حقوق زن و مرد است. از افتخارات نظام حقوقی اسلام آن است که از همان ابتدا زنان را دارای حقوق اقتصادی، سیاسی، خانوادگی، قضایی و عبادی می‌داند. اما علی‌رغم دفاع اسلام از حقوق زنان، جنبش‌هایی برای دفاع از حقوق زنان به وجود آمد. که از جمله‌ی آن‌ها فمینیسم است که در قرن نوزده شکل گرفته است. این در حالی است که فمینیست‌ها در تقابل با خانواده سنتی، اصل و اساس خانواده را زیر سوال برده و ارزش خانوادگی و اخلاقی و نقش‌های مادری، همسری و اخلاقی را فاقد اعتبار دانستند. و نقش مادری و همسری در نظر آنان راهی برای استثمار زنان بوده است. تأکید بیش از حد بر حقوق اجتماعی، سیاسی و مدنی و اولویت دادن به اشتغال اقتصادی و نادیده گرفتن اخلاق و بی‌اهمیت جلوه دادن خانواده و نقش مادری و همسری و کم شدن میزان ازدواج که در مقابل، افزایش طلاق و سست شدن بنیان خانواده را به ارمغان آورده است. از دستاوردهای فمینیسم است. در این مقاله سعی شده است به تأثیر فمینیسم بر نهاد خانواده و تطبیق این آثار با حقوق خانواده در اسلام پرداخته شود.

ما در عصری زندگی می‌کنیم که در آن از بحران فروپاشی خانواده و رویه تاریک آن سخن گفته می‌شود (گیدنز، ۱۳۷۶، ص ۴۴۶). و اندیشمندان و مصلحان اجتماعی، نگرانی خود را از وضع کنونی خانواده کتمان نمی‌کنند. از نظر ما این بحران در فرهنگ ویژه غرب و نوع نگاه غربیان به هستی، و ارزش‌های پذیرفته‌شده‌ی آن‌ها ریشه دارد؛ تردیدی نیست که زنان در طول تاریخ، از شأن و موقعیت لازم و کافی برخوردار نبوده و غالباً دچار ستمی مضاعف بوده‌اند. با رشد آگاهی زنان، این پرسش پیش آمد که جایگاه واقعی زنان در جامعه و خانواده کجاست و چگونه می‌توان آن حقوق را استیفا کرد.

آموزه‌های دینی و اسلامی و نیز نظریه‌های فمینیستی، هر کدام دیدگاهی ویژه در این زمینه دارند. شناخت و مقایسه آن‌ها برای ما کارگشا خواهد بود. به همین دلیل آشنایی و شناخت رویکرد اسلام و قرآن و احادیث در مقوله حقوق خانواده و تطبیق زن با رویکرد فمینیست می‌تواند در شناخت عمیق و واقعی‌تری به ما کمک کند. ضرورت این امر هنگامی روشن می‌شود که بخواهیم خانواده ایده‌ال اسلامی بسازیم.

۱. مفهوم شناسی

فمینیسم *feminism* طرفداری از زنان، هوا خواهی زنان، زن نوازی، طرفداری از حقوق زنان (عمید، ۱۳۷۴، ص ۱۸۵۵). این واژه با اندکی تغییر در تلفظ، در زبان انگلیسی، فرانسوی و آلمانی به یک معنا به کار رفته، و از ریشه «*femininel*» کلمه «*feminia*» به معنای زن یا جنس مونث است، که از ریشه ی لاتینی «*feminal*» گرفته شده است.

اصطلاح «فمینیسم» نخستین بار در سال ۱۸۷۱م. و در متنی پزشکی به زبان فرانسوی، برای تشریح گونه ای وقفه در رشد اندام‌ها و خصایص جنسی بیماران مردی به کار رفته، که تصور می‌شده است از خصوصیات زنانه یافتن تن خود، ناراحت‌اند. سپس الکساندر دومای پسر، نویسنده ی فرانسوی، این واژه را گرفت و در جزوه ای با عنوان مرد - زن در باره مسئله زنای محصنه، برای وصف زنانی به کار برد که به گونه ای ظاهراً مردانه رفتار می‌کنند؛ در نتیجه، اگرچه در فرهنگ پزشکی، معنای

«فمینیسم» خصوصیات زنانه یافتن مردان بود، در اصطلاح سیاسی، این واژه ابتدا در توضیح خصوصیات مردانه یافتن زنان به کار رفت، (چراغی کوتیانی، ۱۳۸۸: ۳۷).

۲. پیشینه

اهمیت حقوق زن در زندگی مردم باعث شده است تا متفکران اسلامی در گذشته پیرامون آن آثار مکتوب از صدر اسلام به نگارش درآوردند و نیز توسط محققین معاصر کتب، مقاله، پایان‌نامه متعددی در زمینه حقوق خانوادگی زن از دیدگاه قران و فمینیسم نگاشته شده است. نمونه‌هایی از این منابع عبارت‌اند از:

کتاب:

۱- کتاب نظام حقوق زن در اسلام، نوشته استاد مرتضی مطهری، تهران، چاپ پنجاه و یکم، ۱۳۷۶، نویسنده این کتاب در بخش پنجم در زمینه مقام انسانی زن از نظر قرآن بحث کرده است. و از صفحه ۱۱۱ این کتاب تا صفحه ۱۳۸ به حقوق خانوادگی زن پرداخته شده است.

۲- کتاب با عنوان خانواده، اسلام، و فمینیسم نوشته اسماعیل چراغی کوتیانی، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۸ این کتاب شامل هفت فصل می‌باشد. در فصل دوم این کتاب به جریان شناسی فمینیسم، و واژه‌شناسی فمینیسم، و تاریخچه فمینیسم، و موج‌های سه‌گانه فمینیسم، و گرایش‌های فمینیسم اشاره شده است. در فصل سوم این کتاب به مبانی فمینیسم در نگرش به خانواده پرداخته شده است. در فصل چهارم به اصول اسلام در نگرش به خانواده پرداخته شده است.

۳- کتاب فمینیسم و دانش‌های فمینیستی، ترجمه عباس یزدانی، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۲. این کتاب دارای یازده فصل می‌باشد. از صفحه ۱۳ تا صفحه ۳۲ به مسائل فمینیسم پرداخته شده است.

مقاله:

«جایگاه و حقوق زن در قرآن» نوشته مجید مرادی، کارشناس ارشد عملیات ترافیک دانشگاه علوم انتظامی امین، ۱۳۷۸. نویسنده در این مقاله پیرامون جایگاه حقوق زن در اسلام و قرآن کریم و همچنین در زمینه خانواده و نظر عالمان و مفسران در مورد زن اشاره کرده است.

مقاله «بررسی تطبیقی معیار سعادت زن از منظر قرآن و فمینیسم» نوشته مریم قاسمی، محل: چهارمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران، ۱۳۹۷، در این مقاله نویسنده مباحث خانواده و قران کریم و فمینیسم و زن را مورد بررسی و تحلیل قرار داده است.

پایان‌نامه:

پایان‌نامه کارشناسی ارشد، خانم فریده علیخانی، ۱۳۹۱، با عنوان «مقایسه حقوق زن در اسلام با اعلامیه حقوق بشر» این پایان‌نامه شامل سه فصل و دارای چهار بخش می‌باشد. بخش چهارم به مباحث مقایسه حقوق زن در اسلام با حقوق زن در فمینیسم پرداخته شده است.

تحقیق پایانی:

تحقیق پایانی، با عنوان «عوامل خانوادگی بروز ناسازگاری همسران و شیوه حل آن در متون اسلامی» نویسنده خانم سپیده محمدی، تنکابن، مدرسه علمیه شهید مطهری، ۱۳۹۸. این پایان‌نامه دارای سه فصل می‌باشد. که در فصل اول مباحث خانواده در اسلام را مورد بررسی و تحلیل قرار داده است. با توجه در پژوهش‌های صورت گرفته علی‌رغم تلاش‌های خوبی که صورت

گرفته است اما به این مسئله در این آثار صورت پراکنده و عمدتاً غیر تطبیقی پرداخته شده است و در این مقاله درصدد هستیم تا با استعانت از آموزه‌های اسلامی به تطبیق و مقایسه دیدگاه اسلام و فمینیسم پیرامون خانواده به صورت مستقل و تطبیقی بپردازیم.

۳. تاریخچه فمینیسم

تاریخ فمینیسم به زمان آگاهی بشر بازمی‌گردد؛ یعنی هر جا که زنان تحت ظلم و ستم بوده‌اند، افرادی نیز بوده‌اند که آن را مورد اعتراض قرار داده‌اند که غالباً خود زن‌ها بوده‌اند. پس به یک معنا همیشه نوعی چشم‌انداز فمینیستی وجود داشته است. مهم‌ترین روایت فمینیستی در جامعه معاصر و غرب، جنبش آزادی زنان است که به دنبال مبارزات طولانی مدت زنان از قرن‌ها قبل و بالاخص در اعتراض به مردسالاری حاکم بر اعلامیه حقوق بشر فرانسه در سال ۱۷۸۹ شکل گرفت، زیرا این اعلامیه حقی برای زنان در نظر نگرفته بود. از آن پس دانشمندانی چون آگوست کنت در سال ۱۸۶۹ و جان استوارت میل در سال ۱۸۶۹ نظریه برابری زن و مرد را در چارچوب حقوق فردی مطرح کردند.

انتشار کتاب ماری ولستون کرافت با عنوان: اثبات حقوق زنان به عنوان نخستین بیان سیستماتیک فمینیستی و سنگ بنای فمینیسم مدرن پذیرفته شده و در زمره مهم‌ترین حوادث تاریخ اندیشه فمینیست به شمار می‌رود (رستمی، ۱۳۷۹: ۲۴).

فمینیسم در قرن نوزدهم و بیستم، آشکارا وجهه سیاسی اجتماعی پیدا کرد و احتمالاً مهم‌ترین آثار فمینیستی قرن نوزدهم، رساله جان استوارت میل به نام (انقیاد زنان) است که در سال ۱۸۶۵ منتشر شد. میل در این رساله، انقیاد هر یک از دو جنس را نسبت به دیگری رد کرده، از اصل برابری کامل دفاع می‌کند (استوارت میل، ۱۳۷۹: ۶۹).

بدین ترتیب محور تفکر و رفتار فمینیسم، جنسیت است و وجه تمامی تفاسیر و گونه‌های آن، این باور است که زنان به دلیل جنسیتشان گرفتار تبعیض هستند و هدفشان محو هرگونه نابرابری بر پایه تفاوت‌های جسمی و فیزیکی است (آقاجانی، ۱۳۸۸: ۸۸).

۴. فمینیسم و کارکردهای خانواده

هرچند خانواده در طی قرون متمادی و به خصوص در چند قرن اخیر، شکل‌های متنوعی را پذیرفته در فرهنگ‌های گوناگون به صورت متفاوتی درآمد، اما روشن است که خانواده در شکل‌های گوناگون خود، همواره کارکردهای متعددی را دارا بوده است. ویلیام آکبرن و کلارک تیبنس در سال ۱۹۳۴ شش کارکرد اساسی برای خانواده برشمرده‌اند که عبارتند از: تنظیم رفتار جنسی، تولیدمثل، حمایت و مراقبت، جامعه‌پذیری، عاطفه و همراهی، و اشتغال؛ بی‌شک کارکردهای خانواده در این چند مورد منحصر نمی‌شود و می‌توان به کارکردهایی همچون آموزش، تربیت دینی، تأمین پدر مشروع، کنترل اجتماعی، تأمین نیازهای اقتصادی، انتقال کالاهای مادی، گذراندن اوقاف فراغت، رشد و تثبیت شخصیت نیز اشاره کرد. بیشتر کارکردهای خانواده در کانون توجه دیدگاه‌های فمینیستی قرار گرفته‌اند. توجه فمینیست‌ها به این کارکردها معمولاً به شکل داوری‌های منفی نمود پیدا کرده و این بدان معناست که آن‌ها واقعیت خارجی را به عنوان کارکرد خانواده می‌پذیرند، اما به لحاظ ارزشی آن‌ها را مردود شمرده یا خواهان ایجاد تغییراتی در آن‌ها هستند. به دلیل گسترده بودن بحث درباره همه کارکردهای خانواده، در این نوشتار تنها به چند کارکرد اساسی خانواده اشاره می‌شود:

۵. کارکرد خانواده از دیدگاه فمینیسم

۵-۱. کارکرد تنظیم رفتار جنسیتی

جریان فعال فمینیسم امروزه در جهان شیوه‌ی زندگی زنان بسیاری را تغییر داده است. این جریان درصدد حذف نقش‌های جنسیتی و رهاسازی زنان از نقش‌های محدود کننده است. این نقش‌های محدودکننده عوامل مختلفی دارند. به طور مثال، ایفای نقش‌های خانوادگی با عنوان همسر و مادر، از جمله عوامل محدودیت در این مکتب تلقی می‌شود. جنبش زنان برای رهاسازی از این محدودیت‌ها، دختران را تشویق می‌کنند تا با اولویت قائل شدن برای تحصیلات و اشتغال، ازدواج را به تأخیر بیندازند. در سراسر فرهنگ آمریکا و به خصوص در رسانه‌های همگانی، دختران و زنان در قالب سوژه و موضوعی جنسی نشان داده می‌شوند. فمینیسم در واقع در خط مقدم حمله به نهاد خانواده شمرده می‌شود. از دیدگاه فمینیسم‌ها، تفاوت‌هایی که بین نیازهای جنسی زنان و مردان در نظر گرفته می‌شود باعث می‌شود. در بیشتر جوامع ارزش‌گذاری کمتری درباره لذت جنسی زنان صورت گیرد. فمینیسم‌ها این امر را آغازی می‌دانند بر ستم بی‌پایان به زنان.

از دیدگاه گروه‌های فمینیستی، کارکرد تنظیم رفتار جنسی یا ارضای نیازهای جنسی در خانواده، یکی از نموده‌های بارز نابرابری زن و مرد است؛ نابرابری که نهاد خانواده به آن دامن می‌زند. پرسش اساسی آنان این است: چرا ارضای نیازهای جنسی همچنان بر حسب معیارهای مردانه تعریف می‌شود و محرک جنسی مرد قوی‌تر از محرک جنسی زن فرض می‌شود؟ از دیدگاه آنان، اعتقاد به تفاوت جنسی اساسی و طبیعی هر دو جنس، عاملی است برای توجیه کردن هنجارهای متفاوت برای زن و مرد در تمایلات جنسی. در نظر آنان، زنان و مردان از حیث تمایلات جنسی، چه در جهت کمیّت و چه از حیث کیفیت، هیچ تفاوتی باهم ندارند و این تفاوت‌های فرض شده، می‌تواند تحت تأثیر فرهنگ‌های متفاوت پدید آمده باشد (چراغی کوتیانی، ۱۳۸۸، ص ۲۶۶).

جریان فمینیسم‌ها اعتقاد دارند که برای رهایی زنان از این ستم به یک انقلاب جنسی نیاز دارند. این انقلاب جنسی بر این باور است. نیاز جنسی چیزی نیست مگر یک احساس جنسی لذت‌بخش که هیچ معیار اخلاقی ندارد و فاقد قیدوبند اخلاقی است. فمینیست‌ها زن‌ها را به نفی قیدوبندهای مردها و نفی انتظار عفاف و خویش‌ن‌داری زنان ترغیب می‌کنند (طیّبی و عهدی، ۱۳۹۰، siasatrooz.ir).

۵-۲. کارکرد تولیدمثل

یکی دیگر از کارکردهای مهم خانواده، که همواره بقای جوامع به‌طور کلی بقای نسل بشر را تضمین می‌کند، کارکرد تولیدمثل است. این کارکرد نیز همانند دیگر کارکردهای خانواده مورد توجه فمینیست‌ها قرار گرفته است. فمینیست‌ها در بحث از کارکرد تولیدمثل، به بحث‌های گوناگونی پرداخته‌اند که دو مسئله از همه برجسته‌ترند. یکی مسئله بارداری و تولیدمثل و فناوری پیشرفته آن و دیگری مسئله سقط‌جنین و حق زن در کنترل بدن خویش (معرفت، ۱۳۸۷، شماره ۱۳۱).

درباره‌ی کارکرد تولیدمثل، وحدت بین گروه‌های فمینیستی وجود ندارد و دیدگاه‌های آنان متفاوت و گاه متناقض است در زمینه بارداری و مادری، دیدگاه آنان دو گونه است؛ در نظر برخی از آنان تولیدمثل و مادری، باری بر دوش زنان و یکی از عوامل سرکوب آنان است که باید از سر راه برداشته شود. این گروه معتقدند تقسیم‌بندی زیست‌شناختی که وظیفه باروری را

به زنان می‌سپرد، باعث فرودستی زنان شده است؛ زیرا تولیدمثل، سرچشمه‌ی سلطه مردان بر زنان است و تنها راه آزادی حقیقی زنان، رهاندن آن‌ها از بار تولیدمثل، از رهگذر فناوری‌های نو است، (فریدمن، ۱۳۸۱، ص ۱۱۰).

در مقابل گروه دیگر تولیدمثل و مادری را یکی از بزرگ‌ترین لذت‌های زن بودن می‌دانند و عقیده دارند که برای بهبود بیشتر این احساس باید آن را از کنترل جنس مرد رهانید. از نظر آنان نباید به این دلیل که پدرسالاری، از جنبه‌ی زیستی وجود زنانه برای انقیاد آنان استفاده کرده است، این جنبه را نادیده گرفت، (چراغی کوتیانی، ص ۲۶۸).

در بحث سقط‌جنین فمینیست‌ها بر این باورند که زن حق دارد بر جسم خود کنترل داشته باشد، استدلال آن‌ها این است جسم زن بنیانی فیزیکی است از آن به طرف جهان حرکت می‌کنند و زنان باید نسبت به جسم خود آگاهی و بر آن کنترل داشته باشند. به اعتقاد آنان زنان حق پایان دادن به بارداری خود را دارند و این امری شخصی و مربوط به خود زن است. (فمینیست و کارکردهای خانواده، معرفت، شماره ۱۳۱، ۱۳۸۷)

۳-۵. کارکرد حمایت و مراقبت

از اولین نیازهای انسان که از آغازین روزهای زندگی همراه او است. بحث مراقبت و حمایت است. از یک‌سو نوزاد انسان برخلاف جانداران دیگر، به علت ضعف، تا مدت بسیار زیادی توانایی مراقبت و محافظت از خود را ندارد. و از سوی دیگر در مراحل گوناگون زندگی لحظاتی پیش می‌آیند که انسان‌ها به هر دلیل نقض عضو و بیماری نمی‌توانند از خود نگهداری کنند. همچنین ضعف و ناتوانی در مرحله آخر عمر دیگر بار به سراغ انسان می‌آید. که این نقش مهم مراقبت و حمایت را خانواده ایفا می‌کند. فمینیست‌ها کارکرد مراقبتی خانواده را عمدتاً از جهت نابرابری جنسی نهفته در آن مورد توجه قرار داده‌اند. و از بین شاخه‌های متعدد مراقبت از دیگران به موضوع مادری توجه خاص نشان داده و به مخالفت بر علیه نقش حمایتگری زن پرداخته‌اند (کارکردهای خانواده <https://rasekh00n.net> حمایت و مراقبت / ۱۳۹۷).

تقابل فمینیسم در کارکرد حمایت و مراقبت از اعضا بسیار مشهود است فمینیسم‌ها با ترویج طلاق و آزادی روابط زن و مرد معادلات فطری و طبیعی خانوادگی را بر هم زده و مدل جدیدی ارائه می‌دهند. آن‌ها معتقد هستند که در جامعه، مادر به‌تنهایی با تک سرپرستی می‌تواند خانواده را به عهده بگیرد. حمایت و مراقبت از خانواده زمانی مطرح می‌شود که نهاد خانواده متکفل این امر باشد. (تقابل فمینیسم و کارکردهای خانواده farsi.khamenei.ir)

پرسش اساسی آن‌ها این است چرا بچه‌داری و خانه‌داری وظیفه زنان شمرده می‌شود و پدران در مراقبت از کودک نقشی به عهده نمی‌گیرند! آن‌ها تولیدمثل و مادری را باری بر دوش زنان و بخشی از فرایند سرکوب زنان می‌دانند (چراغی کوتیانی، ۱۳۸۸، ص ۲۵).

وقتی گروهی به نسخ مادری و خانواده اعتقاد دارند. از نظر آن‌ها مادر خوب مادری است که وسایل و اراده لازم برخوردار باشد، نه مادری که دارای روابط خونی با فرزند و یا دارای غریزه‌ی مادری باشد.

۴-۵. کارکرد جامعه‌پذیری

از دیدگاه جامعه‌شناسان، جامعه‌پذیری روندی است. فرد را برای زندگی گروهی آماده می‌کند. و نقش اساسی در شکل‌گیری شخصیت، نگرش و رفتار فرد دارد. جامعه‌پذیری فرایندی است. طی آن عناصر اجتماعی و فرهنگی درونی می‌شوند. تقریباً در اکثر جوامع امروزی، با تکیه بر ارجح دانستن جنس مذکر، جامعه‌پذیری بر اساس جنس افراد شکل می‌گیرد. (پژوهش زنان، دوره ۱، سال ۳، شماره ۷، پاییز ۸۲، sid.ir).

جنبش فمینیسم در بحث کارکرد جامعه‌پذیری خانواده، به بررسی و نقد مسئله جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی در خانواده پرداخته است. فمینیست‌ها از شیوه‌های متفاوت جامعه‌پذیر کردن دختران و پسران انتقاد کرده و آن را عامل مهم تداوم سلطه مردان بر زنان دانسته‌اند.

آنان با تفاوت قائل شدن بین جنس (sex) و جنسیت (gender) معتقدند جنسیت دست‌پرورده اجتماع است و نقش‌هایی که مرد و زن در جامعه ایفا می‌کنند، محصول جبر و طبیعت آن‌ها نیست. بلکه نتیجه شیوه‌های جامعه‌پذیری متفاوت دو جنس است. (چراغی کوتیانی، ۱۳۸۸، ص ۵۰)

۵-۵. کارکرد عاطفه و همراهی

ارضای نیازهای عاطفی مهم‌ترین کارکردی است که می‌تواند بقای خانواده را در جوامع صنعتی جدید تبیین کند. اما علیرغم مهم بودن این کارکرد، فمینیست‌هایی هستند که منکر کارکرد خانواده هستند. افراد غالباً امنیت جسمی و روحی خود را در خانواده جست‌وجو می‌کنند و خانه برای آن‌ها همانند پناهگاه امنی است که آنان را به آرامش می‌رساند (حسین پور، ۱۳۹۷، سایت راسخون).

از نگاه فمینیست‌ها، کارکرد عاطفه و همراهی در خانواده، برای مرد و زن به صورت یکسان تأمین نمی‌شود. پرسش بنیادی آنان این است: چرا خانواده نمی‌تواند برای زنان خشنودی عاطفی مورد انتظار را پدید آورد؟ آن‌ها ادعا دارند این کارکرد عاطفه و همراهی در خانواده عادلانه جاری نمی‌شود. آن‌ها این کارکرد را نیز از زاویه ستم بر زنان مورد بررسی قرار داده‌اند. فمینیست‌ها درباره کار خانگی و مادری و ماهیت تکراری آن از ابعاد گوناگون، بحث‌های زیادی مطرح کرده‌اند و همه آن‌ها خانه‌داری را از شیوه‌های اصلی تولید مردسالاری می‌دانند. (راسخون)

از نظر ادکلی فمینیست رادیکال، کار خانگی با امکان تحقق نفس انسان در تقابل مستقیم است. در کارخانگی امکان پیشرفت و ارتقا وجود ندارد؛ احساس موقعیت زودگذر است، خشنودی از کار وجود ندارد. اظهارات تشکرآمیز شوهر عاملی ابقا کننده برای زن در نگه‌داشتن زن در جایگاه خانه‌داری تلقی می‌شود. اما پاداش اساسی‌تری به دنبال ندارد. به همین دلیل از نگاه فمینیست‌های مانند سیمون دبووار شغل خانه‌داری را شغلی دون و درجه‌ی دو می‌دانند. (blogfa.com، ۱۳۹۱).

به عقیده نگارنده عدم رضایت زنان از کارخانه، ناعادلانه بودن تقسیم کار، عدم احساس موفقیت و خشنودی و بی‌مزد بودن کارخانه، سبب نارضایتی عاطفی زنان شده لذا فمینیست‌ها، کار خانگی را امری دانسته‌اند که کارکرد عاطفی خانواده درباره زنان اخلال ایجاد می‌کند به عقیده آنان این عدم رضایت و تبعیض‌ها وجود داشتن نظام پدرسالارانه، باعث ایجاد خشنودی خانوادگی نسبت به زنان می‌شود.

۵-۶. کارکرد اقتصادی (اشتغال)

فمینیست‌ها در نگرش به کارکرد اقتصادی خانواده، به بررسی ستمی پرداخته‌اند که با وجود این کارکرد، به زنان روا داشته می‌شود. به باور آنان ماندن زن در خانه، او را به مرد وابسته می‌کند، و وابستگی زن به مرد در تأمین معیشتش، غل و زنجیری است که آزادی او را محدود می‌کند. حضور و مشارکت برابر زنان در محیط‌های کار بیرون از خانه و قرار گرفتن در کنار همکاران مرد، از جمله مقوله‌هایی است همواره طرفداران دیدگاه‌های فمینیستی ترویج کرده‌اند، (مرادی، ۱۳۹۴، فصلنامه علمی پژوهشی اخلاق).

بر طبق مطالعات این‌جانب این میل به برابری اقتصادی و موقعیت برابر در بازار کار، زنان را وامی‌دارد تا تن به ازدواج ندهند. زیرا آن‌ها ازدواج را نتیجه وابستگی زن به مرد از لحاظ اقتصادی می‌دانند. لذا فمینیست‌ها زنان را به عدم ازدواج و حتی عدم فرزند آوری ترغیب می‌کنند. این خود عامل روحیه تقابل بین همسران گشته و نظام و کانون خانواده را دچار تزلزل می‌کند.

۶. کارکرد خانواده از دیدگاه اسلام

اسلام به عنوان جامع‌ترین دین الهی، تعریفی از سعادت حقیقی انسان و راه وصول به آن ارائه داده که بر همه‌ی روابط انسانی در همه حوزه‌ها از جمله حوزه خانواده سایه می‌افکند. نظام مطلوب خانواده در اسلام در راستای رسیدن انسان‌ها به بندگی خداوند، مجموعه‌ای از اهداف ثانوی را دنبال می‌کند. از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به آرامش درونی همسران، پرورش فرزندان سالم و رشد معنوی اعضای خانواده اشاره کرد.

در فرهنگ اسلام خانواده کانون مهر، امنیت و ایمان است و سایه گسترده خانواده، اعضای آن را در مقابل ناملایمات روزگار مصون می‌دارد و نیازهای عاطفی و روانی آن را تأمین می‌نماید. قرآن، خانواده را یک مجموعه متعالی برای تأمین اهدافی مقدس می‌داند که برای رساندن او به آن اهداف برنامه‌ریزی و حقوق و وظایف افراد را تعیین می‌کند. آیات زیر نمونه‌ای از این‌گونه است: سوره مبارکه روم آیه ۲۱ « و باز یکی از آیات (لطف) او آن است که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید که در کنار او آرامش یافته و باهم انس گیرید و میان شما رأفت و مهربانی برقرار فرمود. در این امر نیز برای مردم با فکرت ادله‌ای (از علم و حکمت حق) آشکار است».

که این آیه زن را مایه آرامش مرد معرفی می‌کند.^۱
سوره مبارکه احقاف آیه ۱۵: «و ما انسان را به احسان در حق پدر و مادر خود سفارش کردیم، که مادر با رنج و زحمت بار حمل او کشید و باز با درد و مشقت وضع حمل نمود و سی ماه تمام مدت حمل و شیرخواری او بود».^۲
در این آیه رابطه سه نسل را با یکدیگر بیان می‌کند و در ابتدا انسان را به احسان به والدین سفارش می‌کند و رنج مادر در زمان حمل، زایمان زنان و شیر دادن را یادآور می‌شود.

از دیدگاه آموزه‌های دینی، خانواده سنگ بنای جامعه است. فرد را به جامعه، و نسل‌ها را به یکدیگر مرتبط می‌سازد در نگاه اسلام تشکیل خانواده، آن قدر اهمیت دارد که بین اعمال نیک‌مردان و زنان متأهل با مردان و زنان مجرد فرق قائل شده و برای عبادت متأهلان ارزش بیشتری بیان شده است، (چراغی کوتیانی، اسماعیل، ص ۱۸۷-۱۸۹).

۶-۱. اصول اشتراک زن و مرد در انسانیت

حقیقت هستی زن و مرد، عبارت از نوع انسانی آن‌هاست و آن‌ها از این نظر یکسان‌اند و تصور تفاوت، امری موهوم است. از نظر قرآن، زن و مرد نه فقط در بعد حسی، بلکه در جنبه‌های گوناگون احساسی، روحی، ذهنی و رفتاری به‌گونه‌ای از هم متمایزند.

۱- وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

۲- وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَ وَضَعَتْهُ كُرْهًا وَ حَمَلُهُ وَ فَصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا

از دیدگاه اسلام، زن مرد در نقش‌ها و مسئولیت‌هایی که بر عهده دارند، چه در سطح جامعه و چه در محیط خانواده، با یکدیگر یکسان نیستند، بلکه مکمل یکدیگر هستند.

زن و مرد هم در جامعه و مناسبات و روابطی که ساختار آن را شکل می‌دهد، و هم در فضای خانه و مناسبات خانوادگی، دو وجود مکمل یکدیگرند و نه دو قطب مخالفی وجود هر یک، عرصه را بر دیگری تنگ می‌کند. قرآن در مورد این اشتراک می‌فرماید: مطابق سوره اعراف آیه ۱۸۹؛ «اوست خدایی که همه شما را از یک تن بیافرید و از (نوع) او نیز جفتش را مقرر داشت تا به او انس و آرام گیرد».

۳

۲-۶. کارکرد اسلام و تنظیم رفتار جنسیتی

یکی از کارکردهای مهم خانواده، تنظیم روابط جنسی است. اساساً یکی از هدف‌های ازدواج و تشکیل خانواده، تأمین نیازهای جنسی زن و مرد است. بی‌شک بدون جذب و انجذاب جنسی و روابط جنسی مطلوب، زندگی زناشویی، با سعادت و شیرینی همراه نخواهد بود. دانشمندان بر این نکته تأکید کرده‌اند که «مسائل جنسی در زناشویی، نقش مهمی را بازی می‌کنند، و داشتن روابط جنسی مطلوب، از ضروریات هر خانواده می‌باشد. اغلب اشکالات خانوادگی مستقیم یا به‌طور غیرمستقیم، معلول ناسازگاری‌های جنسی بوده و عامل جنسی در سعادت زناشویی، نقش مهمی را بازی می‌کند، (استون، ۱۳۷۱، ص ۲۱۳-۲۱۴). با دقت در متون اسلامی، با طیف وسیعی از آیات و روایات روبه‌رو می‌شویم که در آن‌ها به گزینه جنسی انسان‌ها پرداخته‌اند. از سوی دیگر، همه آیات و روایاتی که مسلمانان را به ازدواج و تشکیل خانواده دعوت می‌کند، به گونه‌ای به رفتارهای جنسی انسان‌ها توجه دارد. از نظر اسلام همسر دوستی، رابطه جنسی و نیاز غریزی انسان‌ها به جنس مخالف، تدبیری خدایی است که سبب‌ساز پیوند زن و مرد و در نتیجه، استمرار نسل بشر است. خدا در قرآن می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً... (نساء، ۱)؛

ای مردم، بترسید از عسیان پروردگار خود، آن خدایی که همه شما را از یک تن بیافرید و هم از آن، جفت او را خلق کرد و از آن دو تن، خلقی بسیار در اطراف عالم از مرد و زن برانگیخت».

از این سنخ آیات استفاده می‌شود که به سبب غریزه جنسی، نسل انسان تداوم می‌یابد؛ و از جمله: «وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَ نِسَاءً» به خوبی استفاده می‌شود که انتشار افراد و تداوم نسل انسان، بر اثر رفتارهای جنسی و ارتباط دو همسر است، و اینکه رابطه زناشویی به منظور تکثیر نسل در متن خلفت قرار داده شده است (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ص ۲۴۱).

بنابراین، چیزی که فطری انسان است و در طبیعت خلقت بشر وجود دارد، به خودی خود نمی‌تواند ارزش منفی داشته باشد. در روایات اسلامی نیز به غریزه جنسی انسان‌ها اشاره شده و بر ارزش مثبت داشتن آن تأکید شده است. در برخی روایات، علاقه به زنان از جمله اخلاق پیامبران (حر عاملی، ج ۱۴، بی تا ص ۹) و از نشانه‌های ایمان دانسته شده است (همان). همچنین علاقه به زنان به منزله نور چشم پیامبر (همان، ص ۱۰) و لذت‌بخش‌ترین چیزها (همان) معرفی شده است. روشن است که علاقه به زنان، گاه به سبب جنبه‌های عاطفی و گاه به دلیل مسائل جنسی است.

– هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا

این سنخ آیات و روایات که شمار آنها کم نیست، این اندیشه را که ازدواج و ارضای نیاز جنسی را کاری پلید و زشت و شیطانی می‌داند، و برای آن ارزش منفی قائل می‌شود، نفی می‌کنند و تأکید دارند که این‌گونه اندیشه‌ها، در قاموس اسلام جایگاهی ندارند. علامه طباطبایی با تأکید بر طبیعی و فطری بودن ارضای غریزه جنسی از نگاه اسلام می‌نویسند: اسلام وقتی می‌خواهد عمل جنسی را با قانون نظام بخشد، اساس قانون‌گذاری خود را بر خلقت دو آلت تناسلی نرینگی و مادینگی قرار داده است؛ چون دو جهاز تناسلی که در مرد و زن است، که هر دو با کمال دقت ساخته شده و با تمامی بدن نر و ماده بستگی دارد، بیهوده و عبث در جای خود قرار نگرفته، و به باطل خلق نشده است. هر اندیشمندی که در این باره خوب دقت کند، به روشنی در خواهد یافت طبیعت مرد در مجهز شدن به جهاز نرینگی، چیزی غیر از طرف مقابل را نمی‌طلبد. همچنین طبیعت زن در تجهیز به آلات مادینگی، چیزی جز جهاز طرف مقابل را نمی‌جوید (طباطبایی، ۱۳۸۴، ص ۶۱-۶۰).

۳-۶. اسلام و کارکرد تولیدمثل

رسول گرامی اسلام (صلی‌الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«وَلَمَوْلُودٌ مِنْ أُمَّتِي أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ» (میرزای حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۳)؛

یک مولود در اتمم، برای من محبوب‌تر است از آنچه خورشید بر آن می‌تابد».

حیات امت به حیات افراد آن است. حیات اقتصادی، حیات سیاسی، مذهبی، اجتماعی به وجود یافتن افراد آن است. به عبارتی کلی است که در ضمن افرادش موجود می‌شود. در قرآن کریم می‌خوانیم کسی که یک نفر را نجات دهد و احیا کند مثل این است که تمام بشریت را احیا کرده است و این دلیل بر اهمیت موجودیت افراد است؛ بنابراین تولیدمثل احیا جامعه بشری است. حدیث مذکور اهمیت تولیدمثل را به‌طور مطلق ثابت کرده است و مقید به حالت خاصی نکرده است که مثبت ضرورت تولیدمثل است و نفی کنند علل واهی که غرب برای سیاست کاهش جمعیت بیان کرده است. از جمله مهم‌ترین اهداف و کارکردهای خانواده، حفظ و بقای نسل بشر در یک ساختار و نظام قانونی و مشروع است و شاید بتوان گفت که این کارکرد، مهم‌ترین کارکرد خانواده است؛ به‌گونه‌ای که برخی مردم شناسان، ماهیت خانواده را منحصر به همین امر دانسته و آن را قراردادی تعریف کرده‌اند که برای به وجود آوردن فرزندان و حفظ و نگهداری آنان منعقد می‌شود. «ویلیام ولف» معتقد است: «خانواده غیر از یکی - دو سال اول که برای پرورش کودک لازم است، وجودی است مرده، و لذا تنها کارکرد خانواده همین است و بس!»، (محمود حکمت، حقوق زن و خانواده، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، اول، ۱۳۹۰ ش، ص ۷۸).

۴-۶. اسلام و کارکرد حمایت و مراقبت

درباره کارکرد حمایتی خانواده، اسلام با ارائه مجموعه‌ای از دستورالعمل‌های وجوبی و استحبابی، زمینه تحقق این کارکرد را فراهم کرده است. در متون اسلامی والدین و فرزندان، افراد واجب‌النفقه معرفی شده‌اند؛ به این معنی که تأمین هزینه‌های زندگی فرزندان، در صورت نیازمندی، بر عهده پدر (یا جد پدری) و با فقدان پدر بر عهده مادر است و تأمین هزینه‌های زندگی در صورت نیازمندی بر عهده فرزندان است و حتی اجبار و الزام قانونی در این باره پیش‌بینی شده است.

خداوند در قرآن مجید می‌فرماید:

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»
(سوره روم، ۲۱)؛

و از نشانه‌های او این‌که از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان‌ها آرام گیرید، و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این [نعمت] برای مردمی که می‌اندیشند، قطعاً نشانه‌هایی است.»

به باور بسیاری از جامعه‌شناسان، برآوردن نیازهای عاطفی مهم‌ترین کارکردی است که می‌تواند تداوم و استحکام خانواده را در جوامع صنعتی جدید تضمین کند. ارضای عاطفی در محیط‌های دیگر مانند محیط‌های شغلی یا آموزشی نیز کم و بیش یافت می‌شود، اما بیش‌تر افراد رضایت‌بخش‌ترین روابط شخصی خود را با همسران، والدین، فرزندان یا دیگر بستگان می‌یابند. معمولاً افراد، امنیت جسمی و روحی خود را در خانواده جستجو می‌کنند.

در آموزه‌های دین اسلام، به مسائل روانی و عاطفی فرزندان توجه ویژه‌ای مبذول شده است. اسلام به پدر و مادرها سفارش می‌کند که تلاش کنند از جنبه‌های عاطفی و روانی، فرزندان خود را موردحمایت و مراقبت قرار دهند. یکی از نیازهای کودکان، نیاز به محبوب بودن و مهربانی است. اسلام با توجه به این نیاز به پدران و مادران جامعه اسلامی توصیه می‌کند: «کودکان را دوست داشته باشید و با آنان مهربان باشید». و آن‌چنان بر مهربانی با کودکان تأکید دارد که پدر و مادر را از بی‌توجهی به وعده‌ای که به کودک داده‌اند، منع می‌کند. و اصولاً محبت و مهربانی به فرزند و توجه به نیازهای روانی او را از عوامل رحمت الهی بر انسان، دانسته است. در نگاه اسلام، حتی بوسیدن فرزندان، بر کمال معنوی پدر و مادر می‌افزاید. از این‌رو، اسلام با توجه به نقش بوسه در تأمین بخشی از نیازهای عاطفی و روانی کودک، به والدین توصیه می‌کند که تا می‌توانید فرزندان خود را ببوسید.

۵-۶. کارکرد اسلام و جامعه‌پذیری

دیدگاه اسلام درباره نقش‌های جنسیتی چیست؟ آیا اسلام شیوه‌های متفاوتی را در جامعه‌پذیری نقش‌های دختران و پسران تجویز می‌کند. اسلام آن نوع جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی را که هماهنگ با تفاوت‌های جنسی طبیعی و در جهت دستیابی به اهداف نظام اجتماعی اسلام باشد، تأیید کرده است (بستان، ۱۳۸۵، ص ۱۳۴).

اسلام میان زن و مرد از جهت تدبیر امور اجتماع با تصمیم‌گیری و کار، تساوی برقرار کرده است. علتش این است همان‌طور که مرد می‌خواهد زندگی کند، زن می‌خواهد زندگی کند. به دلیل این‌که، زنی و مردی در آنچه بنیه‌ی انسان در خوردن و آشامیدن و جز این دو، از لوازم دارد، برابرند (تهیه و تنظیم موسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۸۶، ص ۶۲).

خداوند متعال فرموده: «بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ» (شما زنان و مردان) از جنس همدیگر می‌باشید همان‌طور که مرد می‌تواند خودش در سرنوشت خودش تصمیم بگیرد و مستقلاً عمل کند و نتیجه عمل خود را مالک شود، زن نیز چنین حقی را دارد، بدون هیچ تفاوتی (طاهری نیا، ۱۳۸۹، ص ۹۵).

بی‌شک اسلام در نظام اجتماعی مطلوب خود، پاره‌ای تمایزهای جنسیتی و تفاوت‌ها در نقش‌های زنان را، اغلب به مثابه اولویت و گاه به‌مثابه الزام پذیرفته است؛ اما این پذیرش بدون قاعده و قانون نیست. بلکه بر اساس دو اصل عدالت و مصلحت صورت گرفته است الگوی برابری جنسی در اسلام، ضمن آنکه تحت تأثیر تفاوت‌های جنسی طبیعی قرار دارد. با اهداف غایی اسلام نیز جرح و تعدیل می‌شود.

در بینش اسلامی این اصرار وجود دارد که زن و مرد، هر کدام برای انجام مأموریتی ویژه آفریده شده‌اند، زن باید زن و مرد باید مرد باشد. از این رو خواست اسلام این است که دختران را با پذیرش نقش مادر- همسر و پسران را برای پذیرش نقش پدر و نان‌آور آماده کند. مهم‌ترین نقش جنسی تصویر شده برای زنان، همسری و مادری است و هیچ‌یک از فعالیت‌های زنان اهمیتی همپای این دو نقش نخواهد داشت، (کوتیانی، ۱۳۸۱، ص ۲۴۲).

۶-۶. کارکرد اسلام و عاطفه و همراهی

ارضای نیازهای عاطفی یکی از کارکردهای مهم خانواده از دیدگاه اسلام است. در خانواده اسلامی، زن و مرد یار و یاور یکدیگرند. نقش عاطفی همسر به مجموعه وظایف و انتظارات الزامی یا ترحیمی اشاره دارد که برای هر فرد در بُعد ارضای نیازهای عاطفی همسرش، تعیین شده است. از دیدگاه اسلام زن و مرد باید به نیازهای عاطفی یکدیگر توجه نشان دهند. در روایات نیز به موارد فراوانی برمی‌خوریم که در آن‌ها بر اهمیت توجه زن به نیازهای عاطفی شوهرش تأکید شده است. همچنین در قرآن کریم و منابع روایی گزارش‌های فراوانی را می‌یابیم که از آن‌ها لزوم توجه شوهران به ارضای نیازهای عاطفی همسرانشان استفاده می‌شود.

امام سجاد علیه‌السلام در رساله حقوق خود زن را این‌گونه معرفی می‌نماید:

«اما حق همسر این است که بدانی به‌راستی خداوند او را مایه آرامش و آسایش و همدم و پرستار تو قرار داده و بایسته است که هر یک از شما زن و شوهر به سبب همسرش خدای را سپاس دارد و بداند که این ارزانی خدا بر اوست»، (تحف العقول، ص ۲۶۲).

و قرآن کریم می‌فرماید:

«هر دو زینت هم و سبب حفظ یکدیگرند»، (سوره بقره آیه ۱۸۷).

از این رو با تشکیل خانواده می‌خواهند در کنار هم به تعالی روحی و سعادت دنیوی و اخروی دست یابند، خانواده برای آنان میدان رقابت و ستیزه‌جویی نیست، بلکه زمینه‌ای برای تعاون و همکاری است. اسلام با توجه به تفاوت‌های جسمی و روحی مرد و زن و به منظور فراهم آوردن زمینه تعاون و همکاری در خانواده، نقش‌های متفاوتی را برای آنان معین کرده است. از نظر حقوق اسلامی اصولاً هیچ‌گونه مجوزی برای تحصیل کار خانگی به زن وجود ندارد. حتی در زمینه اموری مانند شیر دادن به فرزندان، زن در صورت تمایل، از شوهرش اجرت طلب کند، (چراغی کوتیانی، اسماعیل، ص ۱۷۲).

۶-۷. کارکرد اقتصادی (اشتغال) در اسلام

از کارکردهای مثبت در خانواده، کارکردهای اقتصادی شاید در موارد زیادی نادیده گرفته شود، ولی از مهم‌ترین کارکردهای مثبت خانواده کارکرد اقتصادی می‌باشد. خانواده در پهنه تاریخ واحدی اقتصادی بوده که اعضای آن برای تأمین نیازهای معیشتی مشترک با یکدیگر همکاری می‌کرده‌اند. در جوامع صنعتی پیشرفته، خانواده کارکرد اقتصادی خود در بعد تولید تا حدود زیادی از دست داده. به صورت واحد مصرف کالاها و خدمات درآمده است، (کارکردهای خانواده در اسلام و فمینیسم، احمدی، bsharat.com).

در رویکرد اسلامی، خدمات‌رسانی متقابل زن و شوهر در جهت تأمین نیازهای معیشتی، یکی از کارکردهای خانواده قلمداد شده است. اسلام با تأکید بر اهمیت جنبه‌های اقتصادی خانواده و تأثیر آن بر دین‌داری به مسلمانان سفارش می‌کند برای تأمین نیازهای اقتصادی خانواده و توسعه رفاه خانواده تلاش کنند، (حر عاملی، ج ۱۵، بی‌تا، ص ۲۲۷).

اسلام از یک سو مردانی را که برای اقتصاد خانواده تلاش می‌کنند، مانند رزمندگان خط مقدم جهاد در راه خدا معرفی می‌کند، (همان، ج ۱۲، ص ۴۳). در محیط خانواده وظیفه مرد است که از لحاظ اقتصادی، امکانات زندگی زن را فراهم کند و در مسیر مقدس همسری او را یاری دهد.

قرآن مجید در این زمینه می‌فرماید:

«بر پدر است که روزی و لباس مادران را به آنچه نیکوست تأمین کند». (رک: سوره بقره آیه ۲۳۳).

و از سوی دیگر، زنان شایسته را زانی می‌داند که در رفع نیازهای معیشتی خانواده؛ به شوهران خود به ویژه با انجام دادن کارهای خانگی، یاری می‌رسانند و این‌گونه با افزایش دادن انگیزه‌های معنوی زنان، آنان را به انجام کارهای خانه به منظور کمک به اقتصاد خانواده ترغیب می‌کنند. از نگاه اسلام، تأمین نیازهای معیشتی بر عهده مردان است اما برای آنکه مردان بتوانند با آرامش فکری و روانی بیشتر به کارهای بیرون از خانه بپردازند و برای پر کردن سبد اقتصادی خانواده کوشش کنند، از زنان خواسته شده است در صورت تمایل و برای سامان بخشی به امور خانواده، به یاری شوهران خود بشتابند، (چراغی کویتانی، ۱۳۸۹، ص ۲۵۰).

اسلام هرگز نخواست است مرد از زن بهره‌کشی اقتصادی کند، بلکه سخت با آن مبارزه کرده است. این مسئله که زن استقلال اقتصادی دارد. از مسلمات قطعی اسلام است.

کار زن از نظر اسلام متعلق به خود اوست زن اگر مایل باشد کارخانه را مجانا انجام می‌دهد و اگر نخواهد مرد حق ندارد او را مجبور کند، (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۴۱۲).

اشتغال در فرهنگ‌نامه‌های اقتصادی، به معنای مشغول بودن به کار تعریف شده است. برخی از اقتصاددان‌ها، قید مرد و پاداش را نیز بر تعریف اشتغال افزوده‌اند. بر اساس این تعریف نیز کارهای زنان در خانه، اشتغال خواهد بود؛ زیرا چنان بیان شد کارهای خانگی زن نیز پاداش دارد؟ گر چه زن به دلیل کمک به خانواده آن را تقاضا نکند یا مرد به سبب ناداری آن را به زن نپردازد، (احمد طاهری نیا، حضور زن در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، چاپ اول، تهران، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، قم: ۱۳۸۹، ص ۲۵۵).

در عصر حاضر زن در جامعه نقش قابل توجهی دارد. با وجود تحولات عظیمی که در جامعه ایران به وجود آمده مسلماً زنان که نیمی از منابع انسانی بشمار می‌روند تحت تأثیر این تحولات قرار گرفته و امروزه درصد زیادی از زنان به بازار اشتغال راه یافته‌اند. اسلام، زن را از کسب و کار، فعالیت و اشتغال منع نکرده است، بلکه حق استقلال اقتصادی را به او بخشیده است. قرآن می‌فرماید:

«للرجال نَصیبٌ مما اکتسَبُوا و لِلنِّسَاءِ نَصیبٌ مما اکتسَبْنَ، (نساء ۳۲)؛

هرکس از زن و مرد را از کار و کسبی که دارند، نصیبی است».

قرآن در این آیه همان‌گونه که مردان را در نتایج کار و فعالیتشان ذی‌حق می‌داند، زنان را نیز در نتیجه‌ی کار و فعالیتشان ذی‌حق می‌شمرد. اعطای حق استقلال اقتصادی به زنان در اسلام در حالی صورت می‌گیرد. در فرهنگ‌ها و جوامع قدیم مثل رم و یونان و همین قرن‌های اخیر، در بیشتر کشورهای جهان سابقه نداشته است (چراغی کویتانی).

در انگلستان پیش‌تر، شخصیت زن کاملاً در شخصیت شوهر محو بود. دو قانون، یکی در سال ۱۸۷۰ و دیگری در سال ۱۸۸۲ میلادی به نام «قانون مالکیت زن شوهرداری»، از زن رفع حجر کرد (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۲۱۴).

اسلام با مشارکت اجتماعی زنان و حضور آنان در عرصه‌های گوناگون زندگی از جمله اشتغال، هیچ‌گونه مخالفتی ندارد، و حتی در مواردی آن را لازم و گاه نیز واجب می‌داند، اما نکته مهمی که به روشن شدن دیدگاه واقعی اسلام درباره اشتغال زنان کمک می‌کند، این است اسلام هرگز روابط خانواده را بر پایه استقلال و یا عدم استقلال اقتصادی، و بر پایه کارکردی یا کار نکردن زنان استوار نساخته است.

نگارنده بر این باور است اسلام به خاطر ارزشی برای زن و مقام مادر قائل است از کارکردی و نفقه دادن مرد به زن را واجب کرده است. زن مکلف به اشتغال نیست. مگر اینکه به شغل نیاز داشته باشد (چراغی کوتیانی، ص ۲۵۴).
تعمیم کار خانگی بر مبنای جنسیت، موضوعی به قدمت تاریخ بشر است. تحقیقات دیرینه شناسی شکل‌هایی از تقسیم کار جنسیتی را در دوران بسیار دور نشان داده‌اند.

در خصوص نگاه هنجاری اسلام به الگوی تقسیم کار جنسیتی می‌توان بی‌هیچ شک و شبهه‌ای ادعا کرد که اسلام، اصل این الگو را تأیید کرده است. شکی نیست که اسلام به عنوان دینی که عدالت و برابری انسان‌ها را از اصول اساسی خود به شمار آورده است، در موضوع تقسیم کار جنسیتی، دیدگاهی تبعیض‌آمیز نسبت به زن و مرد ندارد؛ زیرا تبعیض همواره بر پایه تمایز در ارزش‌گذاری استوار است. در حالی که اسلام نه میان زن و مرد از حیث ارزشمندی تمایز قائل شده و نه به فعالیت‌های زنانه و مردانه ارزش متفاوتی اسناد داده است. نوع نگاه اسلام به زن در زمینه کار خانگی منطقی‌ترین و زیباترین شکل ممکن است. از نگاه حقوقی گفته می‌شود که زن وظیفه‌ای برای انجام دادن کارهای خانه ندارد و می‌تواند در مقابل آن اجرت دریافت کند؛ اما اسلام وقتی می‌خواهد شکل اخلاقی را مطرح کند می‌گوید خانه‌داری زن معادل جهاد است و برای او عبادت محسوب می‌شود. در بحث حقوق مخاطبش مرد است و خطاب به او می‌گوید تو نباید خانه‌داری را وظیفه زن بدانی.
در اندیشه‌های حقوقی اسلام آمده است «مرد حق ندارد، زن خود را به خدمت خانه مجبور کند، (بنی‌هاشمی خمینی، ۱۳۷۸، ص ۴۰۷).

در نگاه اسلام زندگی خانوادگی بر رحمت و مودت بنا شده است؛ از این رو تأکید اسلام بر اخلاق زناشویی بیش‌تر از حقوق زناشویی است (چراغی کوتیانی، ص ۲۳۲).

۷. تطبیق دو دیدگاه اسلام و فمینیسم در حقوق خانوادگی زن

در اسلام، زن و مرد از حقوق مساوی اما غیرمشابه و یکنواخت برخوردارند، نقش مادری و تربیت فرزند از ارزش والایی برخوردار است ولی در عین حال، حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، با رعایت موازین شرعی و اخلاقی و تناسب شغل مطلوب واجب است برخلاف جهان غرب به ویژه امریکا که می‌کوشد مرد و زن را به نحوی کمی و ظاهری، برابر قرار دهند، چنان‌که گویی هیچ تفاوت و تمایزی میان آن‌ها نیست، اسلام، مردان و زنان را موجودات کامل‌کننده یکدیگر می‌داند. تفاوت این دو جنس در نقش و وظیفه ظاهری اجتماعی آن دو است. در جوامع غربی با شعار استقلال، آزادی و کسب قدرت زنان در قالب فمینیسم، اساس بنیان خانواده فروریخته و ازدواج‌های غیررسمی و طلاق‌های مکرر و فراوان بنیان فرهنگ و تمدن غربی را متزلزل ساخته است. گرچه فمینیسم زن‌گرایی و مبارزه با تحقیر زنان است، اما این نهضت امروزه، خود به تحقیر زن می‌پردازد.
(اسلام در باره فمینیسم چه می‌گوید! برابری حقوق زن و مرد در اسلام، ۱۳۹۲، ygc.ir)

اندیشه اسلامی، زن را موجودی متفاوت از مرد می‌داند که انتظارات و استعداد‌های گوناگون، جایگاه ویژه‌ای به او داده است. مشکل نگرش برابری خواهی فمینیسم این است که با نادیده انگاشتن تفاوت‌ها به انکار زنانگی پرداخته است. در اندیشه

اسلامی، نگرشی مبتنی بر برابری و نگرشی که در بررسی موقعیت زنان به آموزه‌های وحیانی توجه نمی‌کند و بر اساس الگوهای اومانستی نظریه‌پردازی می‌کند، نمی‌تواند زنان را به خوشبختی و کمال رهنمون شود، (طهورا، ۱۳۸۸، سال دوم، شماره سوم، ص ۵۴).

اسلام برخلاف فمینیسم، میان تمایلات جنسی زن و مرد تفاوت قائل است، که در فقه اسلامی از زمینه ارضای غریزه جنسی، گاه زن و مرد حقوق و تکالیف متفاوتی دارند. البته هیچ‌کدام از زن و مرد حق ندارند، نیازهای جنسی خود را جز از طریق همسر خود برآورده سازند. از نظر اسلام گرایش به هم‌جنس در رفتارهای جنسی، برخلاف فطرت و نظام آفرینش و رفتاری انحراف آمیز است. از پیامدهای منفی نهضت فمینیسم ایجاد تقابل و تضاد میان مرد و زن است. توجه نکردن به فلسفه آفرینش زنان و تفاوت‌های زیستی که موجب کمال آن‌ها است، موجب شده فمینیست‌ها تصویری خشن، سلطه‌گر و خشونت‌طلب از مرد ترسیم کنند. این در حالی است که اندیشمندان اسلامی خانواده را هسته اصلی اجتماع می‌دانند. در دیدگاه اسلامی اهداف تشکیل خانواده بسیار فراتر از ارضای میل جنسی زن و مرد بوده و شامل امور مختلفی می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: بقای نسل انسانی، سکون و آرامش همسران، ارضای غریزه جنسی مشارکت در زندگی معنوی و مادی و تربیت نسل.

مقایسه دیدگاه‌های فمینیسم رادیکال و اسلام در مورد خانواده و نقش زن در آن

دیدگاه‌های فمینیسم و آثار آن	دیدگاه‌های اسلام و آثار آن
خانواده مکانی برای انقیاد زنان	خانواده کانون مهر و مودت (موده و رحمه)
خانواده میدانی نابرابر	زن و مرد مکمل یکدیگر
تبلیغ برای فروپاشی خانواده	خانواده اساس زندگی و مایه آرامش (لتسکنوا الیها)
افزایش تمایل به مجرد و زندگی مجردی	قرار دادن حق نفقه برای زن تا بدون دلواپسی مالی به تربیت فرزندان بپردازد.
استقلال مالی زن و مرد از یکدیگر در تأمین هزینه‌های زندگی	قرار دادن حق نفقه برای زن تا بدون دلواپسی مالی به تربیت فرزندان بپردازد.
افزایش بی بند و باری و فحشا (ترویج آزادی جنسی برای زن و مرد و نه در کانون خانواده)	سفارش به تمکین زن؛ عاملی برای از بین بردن و کاهش بی بند و باری (زیرا وقتی نیازها در محیط خانه تأمین شد، در بیرون از خانه به دنبال آن نمی‌روند) و کنترل نگاه برای آسوده نگه داشتن دل.

نتیجه گیری

با توجه به مطالب فوق و با نگاهی موشکافانه و منصفانه به متون دینی به این باور می‌رسیم که نه تنها فمینیسم با مفاهیم و آموزه‌های دینی منطبق نیست، بلکه تعارض میان اسلام و گرایش‌های فمینیستی به قدری ریشه‌ای و عمیق است که سازش و مصالحه میان آن دو به معنای قربانی کردن یکی به سود دیگری است.

واقعیت این است که ظهور فمینیسم و رواج آن نشانه بحران در تفکر معاصر غربی محصول رنسانس است. در ستیز با واقعیات طبیعی و داده‌های علمی (روان‌شناختی و زیست‌شناختی و...) قرار دارد. فمینیسم در تمامی شاخه‌ها و جلوه‌هایش، هدف و

نتیجه‌ای جز ایجاد اختلاف و ناسازگاری بین دو جنس و تشدید بحران عدم تفاهم انسان‌ها ندارد. زن در دیدگاه اسلام با مرد در حقیقت انسانی و مسیر کاملی تفاوتی ندارد، بر این اساس در عرصه‌های اساسی هر دو دوش به دوش هم پیش می‌روند تردیدی نیست که در عرصه‌های مورد اشاره زن و مرد در نگرش اسلامی مساوی‌اند، تنها در برخی از عرصه‌های فرعی زندگی است که هر کدام با توجه به جایگاه ویژه‌ای که در نظام احسن دارند از حیث احکام اسلامی تفاوت‌هایی بر اساس عدالت اسلامی دارند که با فلسفه خلقت آن‌ها هماهنگی کامل دارد. گرچه فمینیسم در واقع مبارزه با تحقیر زنان است. اما امروزه خود به تحقیر زن می‌پردازد. فمینیسم‌ها با شعارهایی زن از شوهرداری ازدواج، فرزندآوری، مادری و بچه‌داری به میدان آمدند اما عملاً در جوامع غربی زنان فقیر را برای کسب استقلال مالی به بردگی می‌کشاند. رویکرد فمینیسم نتیجه‌ای جز طلاق، رها کردن فرزندان و تضعیف بنیان خانواده را به دنبال نداشته است در حالی که اسلام با دیدگاهی جامع‌گرایانه و با توجه به اختلاف‌های طبیعی روحی و جسمی هم زن و هم مرد را مورد توجه قرار داده است. و با در نظر گرفتن شرایط جسمی و ریحانه انگاشتن زن جایگاه ویژه و مقامی ارزشمند به زن داده است.

خلاصه‌ی سخن این‌که، دیدگاه ارزشی اسلام و دیدگاه‌های ارزشی فمینیستی در باب کارکردهای خانواده معمولاً نافی و مناقض یکدیگرند و به جز مواردی که خانواده به تداوم نابرابری‌های جنسی ستم‌آلود، از جمله استثمار نامشروع زنان و خشونت خانگی علیه آنان کمک می‌کند، اسلام در سایر موارد ارزش‌گذاری مثبتی نسبت به کارکردهای خانواده دارد؛ در نتیجه، رویکردهای ارزشی و راهبردی فمینیستی، از قبیل مخالفت با تولیدمثل طبیعی، طرف‌داری از آزادی سقط‌جنین، مخالفت با مادری و کار خانگی، مخالفت کامل با جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی و تقسیم کار جنسی، مخالفت با هرگونه تمایز جنسی تحت عنوان مبارزه با پدرسالاری، مخالفت با الگوهای غیرمشابه رفتار جنسیتی، تأیید هم‌جنس‌گرایی و مخالفت با تربیت دینی نمی‌توانند از دیدگاه اسلام مقبولیتی کسب کنند.

منابع

قرآن

۱. اسلام درباره فمینیسم چه می‌گوید؟ برابری حقوق زن و مرد در اسلام، ygc.ir/fa/news
۲. بستان، حسین، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵.
۳. بنی‌هاشمی خمینی، سید محمدحسن، توضیح المسائل مراجع، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸.
۴. تقابل فمینیسم و کارکردهای خانواده، ۱۳۹۰ <http://farsi.hamenei.ir/18853/22/6/99>
۵. چراغی کوتیانی، اسماعیل، خانواده، اسلام و فمینیسم، چاپ اول، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، ۱۳۸۸.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، تحقیق و تصحیح عبدالرحیمربانی شیرازی، ۲۰ جلدی، بیروت: در احیاء التراث العربی، بی‌تا.

۷. خوش‌نشین، زهره، تبیین الگوی عملکرد رسانه در راستای تقویت کارکردهای خانواده اسلامی / مطالعات فرهنگ - ارتباطات سال شانزدهم، شماره ۲۹، ۱۳۹۴.
۸. زعفرانچی، لیلا سادات، روی آورد فمینیسم به اقتصاد مطالعات راهبردی زنان، شماره ۳۰، ۱۳۸۴.
۹. شادی کلب، ژاله، مشارکت اجتماعی زنان، پژوهش زنان، شماره ۷، سال ۳، ۱۳۸۲.
۱۰. طاهری نیا، احمد، حضور زن در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، قم: موسسه آموزش و پژوهش امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹.
۱۱. عباسوند، فریبا، نقد کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۲.
۱۲. عمید، حسن، فرهنگ عمید، چاپ دوازدهم، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۴.
۱۳. کارکردهای خانواده حمایت و مراقبت، <https://rasekh00n-net.cdn.amppr0gect.org/>، ۱۳۷۶، ۹۹/۶/۲۲.
۱۴. کارکردهای خانواده از نظر اسلام و فمینیسم، مجله حوزه و دانشگاه، سال نهم، الف ۱۳۸۲، شماره ۳۵.
۱۵. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۱۶. مرادی، کهریزی، پژوهشنامه اخلاق، بی‌جا: فصلنامه علمی - پژوهشی، ۱۳۹۴.
۱۷. مشیر زاده، حمیرا، از جنبش تا نظریه‌ی اجتماعی تا دو قرن فمینیسم، تهران: نشر پژوهش شیرازه، ۱۳۸۵.
۱۸. مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، چاپ پنجاه و یکم، تهران: صدرا، ۱۳۷۶.
۱۹. میل، جان استوارت، انقیاد زن، ترجمه علاء‌الدین طباطبایی، تهران: هرمس، ۱۳۷۹.